

# سودمند

مجله علمی ادبی و فلسفی

عبدارازی

عنوان: صندوق البوسته نمبره ۳۴

ابان ماه ۱۳۰۵

## جنبش زنهای آسیا

بقیه از شماره قبل  
شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بقلم آقای ذبیح قربان محصل ملب در بیروت

در شماره قبل مشاهده شد که چگونه زنهای چینی با داشتن انهمه موانع در جاده ترقی داخل شده با کمال جدیت برای تحصیل سعادت و حقوق جنس خود کوشیدند چنانچه عنقریب جمعیت کاری چین که سابقاً دو یست ملیون اسما بوده دو برابر گردیده یکی از ممالک منظم آسیا خواهد شد. بلی همه بیدار شده و اهمیت تعلیم و تربیت زن را فهمیده اند مگر ما که در ایران هنوز خیلی عقب مانده هیچ جدیتی هم نمیکنیم که خود را نجات دهیم.

در ژاپون نیز مانند چین و هندوستان تا قبل از سنه ۱۸۷۰ ابتدا به تعلیم و تربیت زن قائل نبوده اورا مثل حیوانات پست میدانستند عقاید کنفوسیوس و سایر بزرگان چین در ژاپون نیز رسوخ داشت . در سنه ۱۸۷۱ امپراطور ژاپون که قصد داشت دولت ژاپون را مانند دول اروپا متمدن نماید اول قدمی که برداشت این بود که يك عده دخترها را برای تحصیل با امریکا فرستاد و اجازه داد که دخترها نیز مانند پسرها ازاد هستند که برای تحصیل به اروپا و امریکا بروند . اهالی ژاپون در آنوقت متمدن نبوده برای هیچ قسم تهیه ترقی زنان حاضر نبودند اما حکومت که اهمیت وجود زن را در جامعه حس کرده بود به قدری مجدانه اقدام نمود که در مدت کمی صد و پنجاه هزار دختر در مدارس مشغول تحصیل بودند ولی باین هم قانع نشده تحصیل دخترها را مانند پسرها اجباری نمودند . اگر در سایر ممالک شرق بعضی اشخاص متنور مابین ملت برای ترقی و ازادی زنهای اقدامی نمودند در ژاپون فقط حکومت و اراده امپراطوری بود که در اندک مدتی زنهای را از وادی جهالت و بدبختی به اوج سعادت و خوشبختی رسانید بطوریکه امروزه کمتر زنی را می توان در مملکت ژاپون پیدا میکنید . مطابق احصائیه جدید حکومت چهل هزار نفر زن به شغل معلمي در مدارس عالیه و ابتدائی ژاپون مشغول تدریس هستند . تمام این معاملات دیپلمه از دار المعلمات هائی هستند که در ژاپون تاسیس شده زیرا حکومت بدون داشتن تصدیقنامه از دار المعلمات ابتدا اجازه تدریس به هیچ زنی نمیدهد . همانطوریکه زنهای چین استعداد و ذوق غربی به تحصیل علم طب دارند زنهای ژاپون در رشته معلمي

و فن تعلیم و تربیت استعداد فوق العاده نشان داده اند. اگر چه در مدارس طب عدّه زیادی از دخترها مشغول تحصیلند ولی فعلا بیشتر از چهار صد نفر دکترا زن در ژاپون نیست. از انطرف فن پرستاری در ژاپون خیلی ترقی کرده است. حکومت در هر شهری مدارس پرستاری باز کرده خیلی باین قسم تربیت اهمیت میدهد. چنانکه امروزه متجاوز از سه هزار و پانصد نفر پرستار در توکیو تنها در مریضخانه ها مشغول خدمتند. چون زنهای ژاپونی از حیث نجابت و خود داری و حلم مابین زنان عالم اول رتبه را دارا هستند برای فن پرستاری خیلی مناسب هستند. چنانکه خدمات پرستارهای ژاپونی در اثنای جنگ بین الملل در اروپا معروف بوده و بزرگترین جاژه و مدال را گرفته اند.

مابین زنهای ژاپون نیز نویسندگان بزرگ پیدا شده است. از انجمله « مادام آتومی » میباشد که عدّه زیادی کتب بزبان چینی نوشته است و در عالم نسوان ژاپون مقام بزرگی را حائز است. خانم محترم « آتوسکا » یکی از معروفترین شعرای معاصر ژاپون میباشد که به ادبیات ژاپون خیلی خدمت کرده است. دیگر « میس یوکیو » است که چندین کتاب در خصوص روحیات و ادبیات ژاپونیا نوشته که در تمام اروپا و امریکا منتشر است.

زنهای ژاپون در وطنخواهی خیلی معروفند و وطن پرستی یکی از تعلیماتی است که در تمام مدارس دخترانه تدریس میشود. در اثنای جنگ روس و ژاپون زنهای از هر قسم خدمتی در راه وطن مضایقه نمینمودند. وقتی که سر بازها برای جنگ میرفتند همیشه يك عدّه از

خانهای محترم در ایستگاه ماشین ایستاده و با یکان یکان دست داده آنها را تشجیع و دلداری مینمودند. در همانوقت دخترها در مدارس يك وعده از غذای خود را نخورده و پول آن را خوراك و چیزهای دیگر خریده برای سربازها در میدان جنگ میفرستادند. متجاوز از سی هزار نفر زن در فرونت مشغول پرستاری مرضا و مجروحین بودند انجمن نسوان و ملنخواه که فعلاً عدّه آنها متجاوز از یانصد هزار نفر است و در تمام شهرهای ژاپون مؤسسات دارند از هیچ قسم خدمت و فداکاری برای وطن خود مضایقه نمیاید.

تاسیس مجامع و انجمنهای زنان در ژاپون تازه ندارد. فعلاً چهل سال از تاریخ انجمن زنان معارفپرور میگذرد که عدّه اعضای آن به هزارها میرسد و هر ماه مجالائی در تعلیم و تربیت زن منتشر میسازند. انجمن حفظ الصحه<sup>۱</sup> زنها و انجمن اتحاد مادرها که مدتها است در ژاپون تاسیس شده شعبات خود را در تمام شهرها دائر کرده با کمال جدیت مشغول خدمت میباشد. عدّه اجتهادات رسمی زنان در ژاپون بقدری زیاد است که اینجا گنجایش ذکر تمام آنها را ندارد. فقط این نکته را باید متذکر بود که یکی از عوامل بزرگ ترقی نسوان در هر مملکت یا جامعه مجالس و اجتهاداتی است که آنها دارند که بدن وسیله میتوانند تبادل افکار نموده متحداً مقاصد حسنه خویش را به موقع اجرا گذارند.

یکی دیگر از ممالک آسیا که نهضت زنان در اینجا قوتی پیدا کرده مملکت ترکیه است. در ترکیه غیر از آن تعصبات و موهوماتی که نسبت بترقی زن داشتند حجاب نیز يك عامل بزرگی برای گوشه

نشینی و بدبختی و جهالت زنها بود . قبل از اینکه ترکیه مشروطه شود هیچ مؤسسه<sup>۱</sup> برای تعلیم و ترتیب زن نبود و بیچاره نسوان در دریای جهالت و تعصبات بدوی مستغرق بودند . در سنه ۱۹۰۸ وقتیکه مشروطیت اعلام شد متجاوز از هزار زن بدون حجاب از خانه بیرون آمدند به خیال اینکه بفوریت اعطای مشروطیت زنجیر اسارت از گردن آنها برداشته شده عصر جدیدی برای آنها رسیده است زیرا بواسطه<sup>۲</sup> معاشرت با اروپائین افکارشان باز و دیگر از بندگی و اسارت خسته شده بودند . اما ازادی آنها بیشتر از چند هفته طول نکشید که از طرف رؤسای مذهب اعلان شد برداشتن حجاب مخالف مذهب و طریقت اسلام است . این بود که دو مرتبه زنها به محبس خود عودت نمودند ولی باز ساکت ننشسته در انقلاب دوم متجاوز از پانصد نفر زن نزد حکومت رفته درخواست کردند که حجاب را بردارند . حکومت هم که تا اندازه<sup>۳</sup> متجدد بود جواب داد ما از شما جلوگیری نمیکنیم ولی نمیتوانیم با این جهالت و تعصبات مردم به شما تاملین بدهیم . خلاصه باز زنها جرأت رفع حجاب را نمودند اما مخفیانه مجامعی داشته مشغول اقدامات بودند . چنانکه علویه خانم در همانوقت در یکی از نطقهای خود چنین اظهار داشت : « زن با داشتن حجاب غیر ممکن است بتواند شخصیت و قابلیت خود را ظاهر و از قوای طبیعی که در درون اوست استفاده نماید . داشتن حجاب و حکومت استبدادی مثل هم است زیرا این یکقسم ظلم مستبدانه است که از طرف مرد به زن میشود . »

همینطور که راجع برداشتن حجاب مدتها زنهای ترکیه جدا کار

کردند در منع تعدد زوجات نیز مدتها مشغول اقدامات بودند چنانکه همان علویه خاتم در یکی از بیانات خود چنین گفت: «حجاب يك عادت مضرى است كه بزودى ميتوان آن را از ميان بر داشت ولى بدبختانه تعدد زوجات مشكل تر است چون با وجود اينكه بينغمبر اكرم فرموده با بودن عدالت چند زن ميتوانيد بگيريد و اين عدالت غير ممكن است باز يك مدت طولاني لازم است كه مردها تربيت شرنند و بفهمند همانطور كه خودشان ميل ندارند شريكى براى زن خود داشته باشند زنانشان نيز ميل ندارند شوهرشان به ديگرى دلبستگي داشته باشد.»

زنهای ترکیه فهمیده بودند که فقط بواسطه\* تعمیم معارف ما بین نساوان میتوان موانعی که در راه ترقی زنان است از میان برداشت و تمام امیدشان به جوانهایی بود که در دامن مادران تربیت شده بزرگ میشوند و عقیده داشتند اگر خودشان هم نعمت ازادی را بچشند باید برای دختران خود این را تهیه نمایند. این بود که در تشکیل مجامع نساوان و طبع کتب و مقالات جدیدی و افزون کردن آنها تا اینکه بالاخره به آمال و ارزوهای چندین ساله خود رسیدند و گذشته از آنچه میخواستند حقوقهای دیگرشان نیز که پایمال شده بود بدست آورند

بقیه دارد

ذبیح قربان